

بیانیه دانشجویان سوسیالیست

پیرامون وضعیت کنونی جنبش دانشجویی و مباحثات اخیر در چپ دانشجویی

1)



اتفاقات آذرماه سال گذشته و ضربه گسترده نیروهای امنیتی نتایج متناقضی را برای چپ دانشجویی به بار آورده است: از یکسو این ضربات به ضربه خوردن و عقب نشینی ملموس چپ (به طور مشخص در تهران) منجر شده است و از سوی دیگر با آشکار نمودن بخشی از پتانسیلهای گسترده اما نهفته چپ (به ویژه در شهرستانها) نشان داد که بستر و زمینه عینی برای تفکر و جنبش سوسیالیستی در ایران فراهم شده است که جلوه هایی از آن می توان در اعلام موجودیت محافل و کانونهای چپ در مراکز دانشجویی و بین فعالین اجتماعی در شهرستانها مشاهده نمود. این نتیجه متناقض به ایجاد نوعی ناموزونی، پراکندگی و آشفتگی در کلیت حرکت نسل جدید چپ در ایران منجر شده است. دستاوردهای دموکراتیکی که چپ ظرف مدت نسبتاً کوتاهی

به حکومت تحمیل نموده بود از دست رفته است و این مهمترین بعد عقب نشینی ناشی از ضربه آذر ماه سال گذشته و محتوای اصلی آن است. گنجی و سر در گمی موجود بین فعالین چپ در تهران (که خواه ناخواه بمثابه راس و سر هر جریانی شناخته می شوند و سابقه بیشتری دارند) و پرانرژی ولی نوپا بودن چپ در شهرستانها (به همراه کم تجربگی ای که همزاد هر حرکت نوپایی است) و فقدان مکانیزم جاافتاده و شناخته شده ای برای تأثیر گذاری این دو بخش بر هم از بروزات چنین ناموزونی است. به هر حال دستیابی به تحلیل جامع، منسجم و روشنی از کارنامه و تجربه چند سال گذشته چپ (به طور مشخص در تهران) و علل عقب نشینی تحمیل شده که خطوط اصلی چشم انداز استراتژیک آینده را نیز روشن خواهد ساخت از ملزومات آغاز دور جدیدی از فعالیت چپ، کسب اعتماد توده دانشجوی و به دست آوردن مجدد درجه ای از آزادیهای دموکراتیک است. در یک ماه اخیر بحثهای مفید و مثبتی در این زمینه آغاز شد که با ایجاد جنجالهای کاذب از سوی جمعی از هوچی گران سکتاریست مواجه شد. جماعتی که نفع خود و فرقه متبوعه خویش را در شفاف نشدن جریانات و مباحثات می دانند و بعضاً با اعمال سکتاریستی خود از زمینه سازان وارد آمدن ضربه سال گذشته بوده اند آگاهانه از پیشبرد چنین بحثهایی در یک فضای سالم و مثبت جلوگیری می کنند. چپ دانشجویی (از گرایشهای گوناگون) باید اهمیت و ضرورت این مساله را بپذیرد که گذار از این مرحله و برداشتن گامهای بعدی جز با تحلیل شفاف و بی تحریف کارنامه گذشته چپ ممکن نیست. آنهایی که طرح هر انتقادی به یک گرایش خاص در چپ دانشجویی و عملکرد آن در سالهای گذشته را به "در خط وزارت اطلاعات" بودن تعبیر می کنند، آنهایی که در دوره گذشته به فعالیتهای ضد جنبشی به نفع یک فرقه سیاسی خاص اشتغال داشته اند و از زمینه سازان اصلی وارد آمدن ضربه سال گذشته بوده اند نفع شخصی و فرقه ای خویش را در درجا زدن چپ در یک نقطه می بینند. این افراد و گرایشها بنا بر مصالح سیاسی نسل جدید چپ می بایست افشا و منزوی گردند.

2)

جنبش دانشجویی در سال جدید شاهد وقوع یک سلسله تحركات اعتراضی و توده ای موفق بود که نقاط اوج آن با اعتراضات دانشگاههای شیراز، سهند تبریز، تربیت معلم تهران و مورد اخیر در دانشگاه زنجان مشخص می شود. به نظر می رسد که با وقوع این اعتراضات فراگیر جنبش دانشجویی در حال از سر گذراندن تجارب پرارزشی است که نتیجه آن دستیابی به الگوی جدیدی برای فعالیت، اعتراض و مبارزه است که سیکل بسته الگوهای ناموفق و ناکام گذشته را می شکند و شکل جدیدی از مبارزه را پیش روی جنبش دانشجویی می گشاید که بر درکی واقع بینانه از خصایل، تواناییها و جایگاه جنبش دانشجویی و

اوضاع جامعه متکی است و به همین خاطر پیروزی و موفقیت را به نسبت الگوهای قبلی به درجات زیادتری قابل حصول و در دسترس می سازد: اعتصاب توده ای در مجتمعات دانشگاهی.

در یک سوی سیکل بسته فوق الذکر نوعی آکسیونیزم (تبدیل برگزاری تجمع به مناسبت‌های مختلف بمثابه هدف اصلی فعالیت) قرار دارد که در جهت رادیکالیزه نمودن تجمع در محل و کشاندن آن به بیرون از دانشگاه یا خوابگاه تلاش می نماید که در عمل حرکت را در ریلی از اعتراضات بی هدف (و یا با اهداف عملا غیر قابل تحقق) قرار می دهد و با ناکام ماندن و سرکوب توسط دستگاههای سرکوبگر در غالب موارد (که معمولا با موج گسترده ای از بازداشت و احضار فعالین به نهادهای انضباطی، امنیتی و قضایی همراه است) به ایجاد جو یاس و دلزدگی در بدنه دانشجوی و بخش وسیعی از فعالین سیاسی منجر می گردد. در سمت دیگر این سیکل، سیاست داخل شدن و ورود به نهادهای زرد و وابسته به حاکمیت (که در سنت چپ به این سیاست، انتریسم اطلاق می شود) نظیر انجمنهای اسلامی در جهت تسهیل تماس با بدنه دانشجوی و استفاده از ابزار و امکانات این نهادها قرار دارد که علاوه بر اینکه فعال سیاسی مستقل و غیرحکومتی را (به ویژه فعالی که خود را چپ و انقلابی می داند) در معرض تناقضات هویتی و سیاسی و ایدئولوژیک قرار می دهد، با توجه به تضعیف شدید و از موضوعیت خارج شدن انجمنهای اسلامی، در شرایط کنونی اساسا توجیهی ندارد.

با توجه به تجارب اخیر به نظر می رسد "اعتصاب توده ای در مجتمعات دانشگاهی" حلقه گمشده تاکتیکی و سبک کاری ای است که می تواند جنبش دانشجویی را از بن بست فوق خارج کند و در مسیر مناسب مبارزاتی قرار دهد. خصلت برجسته این شیوه از مبارزه در آن است که تحرکات دانشجویی را از حالت الیتیستی (نخبه گرایانه) خود که در سالین اخیر عملا فعالیت و مبارزه را در بین لایه نازکی از دانشجویان متشکل از دانشجویان فعال در امور سیاسی محدود ساخته است و وجه مشترک هر دو الگوی فوق الذکر است خارج می سازد و با جذب بدنه دانشجوی به روند مبارزات و سازمان دادن اعتراض توده ای، جنبش دانشجویی را بیش از پیش به هیات یک جنبش اجتماعی واقعی در می آورد. برای تامین و تداوم چنین ویژگی ای عطف توجه به مطالبات و نهادهای صنفی بمثابه بستر و ظرف اصلی فعالیت در دوره و شرایط کنونی ضروری است. به راه انداختن اعتصاب توده ای برای تحقق مطالبات گوناگون دانشجویی که خود در طبیعی ترین و خود انگیزه ترین شکل نیز به درجاتی از سازماندهی و برنامه ریزی و هماهنگی متکی است، بستر و فضا را برای طرح مساله اساسی و بنیادین جنبش دانشجویی یعنی "تشکل" و اقدام عملی برای آن در جنبش دانشجویی مهیا می سازد و ضرورت عینی آن را برای بدنه دانشجوی روشن می کند. به علاوه اعتصاب توده ای شکلی از مبارزه است که بر درک درستی از خصایل، تواناییها و جایگاه جنبش دانشجویی بنا شده است. جنبش دانشجویی در یک سیستم مختنق از یکسو بمثابه حیظه پر تکاپو (به نسبت بخشهای دیگر جامعه) و پیشتاز عمل می کند و از سوی دیگر به دلیل جایگاه عینی خود توانایی تبدیل شرایط غیر انقلابی به انقلابی در جامعه و ایجاد تحولات بنیادین را با هر درجه ای از اعتراض و عزم و اراده ندارد. با توجه به بافت اجتماعی تشکیل دهنده این جنبش، این وضعیت تا حدودی پارادوکسیکال ممکن است جنبش را - همانطور که پیشتر اشاراتی شد - در برخی مقاطع در مسیری از اعتراضات گسترده و رادیکال اما فاقد مطالبه و برنامه، چرخه ای از تعرضات مداوم و پی درپی اما بی نتیجه قرار دهد (مواردی مانند اعتراضات ۱۸ تیر ۱۳۷۸، خرداد ۱۳۸۲ و خرداد ۱۳۸۵ در تهران). اعتصاب توده ای اما شکلی از نبرد است که دو طرف بر سر مساله معینی می جنگند. هر دو طرف نقاط قوت و ضعفی دارند و طرفی پیروز می شود که تمام قدرت خود و شرایط مساعد پیرامونی را با نقشه و برنامه و به شکلی سنجیده حول گرگاههای مشخصی بسیج نماید و از این طریق بر روی نقاط ضعف حریف چنان فشار مستمری بیاورد که او ناگزیر از سازش و تسلیم گردد. تشخیص اینکه یک اعتصاب معین در تمرکز بر روی کدام نقطه حساس حریف و تحت چه مجموعه شرایطی می تواند او را به سازش یا تسلیم بکشاند مساله کلیدی هر اعتصاب است که رهبران و نمایندگان عملی یا منتخب اعتصاب کنندگان در هر مجتمع دانشگاهی باید با درایت لازم و در فضایی دور از هیجان به آنها پاسخ گویند. علاوه بر این صاحبان قدرت به هر اقدامی دست می زنند تا سلاح اعتصاب توده ای را کند سازند و از کار بیاندازند. ایجاد تردید و تفرقه در بین اعتصاب کنندگان، توسل به پلیس و سرکوب، بازداشت یا اخراج رهبران، ارباب، وقت کشی به منظور ایجاد استیصال و ... از شیوه های رایج در این زمینه هستند که اعتصاب کنندگان و رهبران و نمایندگان آنها باید جهت خنثی کردن آنها نیز تدابیری بیاندیشند و در نبرد تاکتیکیها ابتکار عمل را به دست بگیرند. کارایی یک اعتصاب در استحکام آن است. ما از فعالین چپ و سوسیالیست در هر مجتمع

دانشگاهی در سراسر کشور در خواست داریم تا ضمن بر توجه به مسایل و نهادهای صنفی که امکان ارتباط با توده دانشجو را به شکلی مناسب فراهم می سازند ، به سیستماتیزه کردن درسهای تجمعات و اعتصابات توده ای موفق اخیر به منظور استخراج الگویی مناسب جهت سازماندهی و هدایت مبارزات دانشجویی و خروج از بن بست مبارزاتی بپردازند .

3)

با انقراض سیاسی و تشکیلاتی انجمنهای اسلامی و قرار گرفتن لیبرالها بر دوراهی تبدیل شدن به دنبالچه روشنفکری مافیای سیاسی - اقتصادی کارگزاران و رفسنجانی و یا یک فرقه ایدئولوژیک ، چپ به تعیین کننده ترین عنصر ذهنی در جنبش دانشجویی بدل گشته است . بدون عروج مجدد و نیرومند چپ در جنبش دانشجویی تحرک توده دانشجویان از توش و توان خواهد افتاد . از سوی دیگر تحصیل مجدد دستاوردهای دموکراتیک در جنبش دانشجویی این بار اساسا در دل تحرک توده ای دانشجویان امکان پذیر است . بدیت ترتیب فعالین دانشجویی چپ و جنبش توده ای دانشجویان در نیاز متقابل و ناگسستی نسبت به یکدیگر به سر می برند . در این میان طرح مقوله " تشکل " از یکسو و تبدیل دانشجویان چپ به سازمان دهندگان و رهبران اعتصابات عمومی دانشجویان می تواند بمثابة دو حلقه اتصال فعالین چپ و سوسیالیست به بدنه دانشجویی عمل کند . از الزامات هر دوی این مسیرها ، جلب افشار گوناگون دانشجویی و ایجاد ، حفظ و تحکیم رابطه با آنان می باشد که جز از طریق طرح وسیع و مبارزه برای خواسته های بنیادین اقتصادی ، رفاهی و " صنفی " میسر نیست . بر این مبنا فعالین چپ و سوسیالیست همواره با به یاد داشتن خصایل ، تواناییها و جایگاه جنبش دانشجویی و توجه به روش اعتصاب توده ای برای پیشبرد مبارزه و الزامات موفقیت آن ، به جنبش دانشجویی نه بمثابة یک قوه قهریه برای انقلابی نمودن اوضاع و سرنگون ساختن حکومت که به عرصه ای برای کسب هژمونی می نگرند . **کسب هژمونی** نیز نه از طریق رقابت بر سر هدایت و کنترل دالهای شناور در عرصه گفتمانی که از طرقی نظیر تعریف و تثبیت مطالبات اصلی توده دانشجویان به روایت سوسیالیستها ، تثبیت اصول کار متشکل و در عین حال غیر بوروکراتیک و متکی به آگاهی و مشارکت توده دانشجویان (مساله " تشکل) ، تربیت رهبران مسلح و متکی به استراتژی سوسیالیستی و ... ممکن است .

4)

مجادلات اخیر در بین فعالین دانشجویی چپ به حملاتی از سوی برخی فعالین دارای گرایش مشخص در داخل و خارج از کشور به دانشجویان سوسیالیست و انگ و برچسب زنی و افترا به این گرایش گردید . برخی از آنها می گویند که " دانشجویان سوسیالیست " مصنوعا خلق شده اند و تنها در فضای مجازی حضور دارند . ما به آنها می گوئیم که دلیلی برای اثبات وجود خودمان به آنها نمی بینیم . بعد از گذشت چهار ماه از اعلام موجودیت ما مراکز ثقل ما در مناطق مختلف در حال شکل گیری اند . ما تا کنون موجودیت خود را عمدتا با سلاح نقد مان به دیگران نشان داده ایم . اگر مفتریان عجله نکنند ، نوبت اثبات آن از طریق نقد سلاح نیز فرا خواهد رسید . ما تلاش می کنیم گامهایمان را آرامتر اما سنجیده و محکم برداریم و عجله ای نیز برای دستیابی به یک قدرت پوشالی نداریم . دانشجویان سوسیالیست در بدترین دوران هزیمت " دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب " در اثر سرکوب حکومت (که کل گرایشهای چپ دانشجویی در تهران را به محاق برد) از یکسو و حماقت و بی مسئولیتی برخی از رهبران آن ، اعلام موجودیت نمود و اجازه نداد که در تیره ترین روزها راه نسل جدید چپ بی رهرو بماند . اعلام موجودیت ما در ابتدا (در بیانیه دوم) با حسن نیت تمام - و در حالی که از چند و چون مسائل چپ در تهران خبر نداشتیم - به عنوان گرایش مشخص و منسجمی در دل جریان " دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب " صورت گرفت اما با وقوف به عمق و دامنه سیاستهای نادرست و سکتاریستی بخش محدود اما بسیار موثری از رهبران این گرایش و بی مسئولیتی فاجعه بار آنها و تداوم یافتن آن سیاستها ، تصمیم گرفتیم تا برای همیشه حساب خود را از این جریان جدا ساخته و به شکلی کاملا مستقل به فعالیت بپردازیم . بر این اساس نقطه عزیمت ما به هیچ وجه خصومت با گرایش دیگری در چپ دانشجویی نبوده است اما در مسیر پیشروی خود با هدف تثبیت استراتژی سوسیالیستی در جنبش دانشجویی و برقرای هژمونی سوسیالیستی در آن ، بدون هراس از جوسازی و انگ زنی هوچی گران قاطعانه به از سر راه برداشتن موانع خواهیم پرداخت . برخی می کوشند با قیاس کردن ما با وضعیت گرایشی دیگر در چپ دانشجویی ما را به احزابی در اپوزیسیون چپ در خارج از کشور منتسب نمایند . ما همانطور که بارها اعلام کرده ایم ضمن اعتقاد به اصل تحزب و لزوم آن برای جنبش سوسیالیستی

، فعالیت خود را حول چشم انداز مشترکی از استراتژی سوسیالیستی و نه گرایشها و تعلق خاطرهای حزبی و گروهی و افراد سازمان داده و خواهیم داد . در این راستا نسبت به تفتیش عقاید افراد برای کشف تمایلات حزبی و گروهی آنها نیز دست نخواهیم زد اما به شکلی بدون تحفیف در راه طرد و منزوی ساختن حزب و گروهی که به فعالیت ضد جنبشی و فرقه ای دست بزنند و به بهای ضربه زدن به جنبش ، منافع خاصی برای خود تسهیل نماید خواهیم پرداخت (چنانکه تا کنون در یک مورد و در مورد یک حزب خاص این مساله به اثبات رسیده است) . ما به تمام رفقای چپ و سوسیالیستی که خود را در این افق استراتژیک با ما سهیم می دانند درود می فرستیم و از آنان می خواهیم که برای شکل دادن به صفی منسجم و پرشمار در راستای خطوط مبارزه طبقاتی در جنبش دانشجویی به ما بپیوندند .

زنده باد سوسیالیسم

دانشجویان سوسیالیست دانشگاههای سراسر کشور

[/http://dsocialist.blogfa.com](http://dsocialist.blogfa.com)